



(حصه ۳۱)

اما نائب السلطنه هند که مطالبات امیر را از ماده اول تا اخیر قابل قبول ندانست و در برابر این مطالبات یگانه مقصد او تحمیل نمایند و در صورت رد شدن آن پیدا کردن دلیل تجاوز به افغانستان بود، به عطاء محمد خان هدایت داد که اگر امیر از راه دوستی پیش نباید نمایند انگلیس را قبول نکند و همان امدادی که او از گرفتن آن استغنی نشان میدهد به یکی پادیسگری ازرقبایش که هر وقت برای قبول آن حاضر اند داده خواهد شد هر وقتیکه افغانستان را در دست یک دوست خود مشاهده نکنیم، هیچ چیزی ما را مانع از این نخواهد شد که با روسیه موافقه کرده و در نتیجه آن افغانستان کاملاً از نقشه محو ساخته شود، قوای برطانیه هم طوری دور خاک امیر برراکننده است که حلقه آهنینی را گرداگرد او تشکیل داده و بوقت ضرورت میتواند آن را مثل ذره در هم خورد کند، افغانستان مانند یک ظرف سفالی که میان دو ظرف آهنین قرار گرفته باشد واقع شده است، اگر امیر نخواهد با ما موافقه فوری میکند روسیه خواهان چنین موافقه میباشد که به نفس امیر با ما موافقت نماید. (۱)

ما میتوانیم چنان قوه به افغانستان بریزیم که در صورت موافقت امیر با ما پیش از آنکه یک نفر عسکر روس بسکابل مواصلت نماید به امداد امیر برسد و در صورت عکس آن مفاد خود ما را حفظ کنند امتیازاتی که ما به امیر در برابر قبول مطالبات خود قائل میشویم عبارت است از:

۱- عقد یک قرارداد بعوض مکتوبهای اطمینانیه سابق (۲) که درین قرارداد هم اساس متقابله مراعات خواهد شد یعنی دوست یک طرف دوست طرف دیگر و دشمن او دشمن طرف دیگر خواهد بود.

(۱) دیوک آف آرچیل میگوید که این اقتراء است زیرا در پارلمان اظهار نشده که روس برای از بین بردن افغانستان کلاً و یا قسماً حاضر است و بشا بران این گفته لاردلین را باید بی حقیقت حساب کرد (کتاب قبل الذکر صفحه ۱۹۴).

(۲) دیوک آف آرچیل برین ماده چنین تبصره میکند که بین مکتوبهای حاکمهای اعلائی گذشته و قرارداد پیشنهادی لاردلین اصلاً فرقی وجود نداشت زیرا ملکه تمام قراردادهای کمپنی هند شرقی را تصدیق کرده بود (کتاب قبل الذکر صفحه ۱۹۴).

- ۲ : رساندن امداد کافی اسلحه و پول در صورت تجاوز بی سبب .
- ۳ : جانشینی عبدالله جان را قبول میکنیم اما اگر بعد از شناسائی از طرف ما خود بخود سلطنت او سقوط کند ما برای برقراری او با افغان ها جنگ نخواهیم کرد . ولی در صورتیکه هنوز بر تخت خود جالس بوده و مشکلاتی حس نماید ، در آن صورت در حدود امکانات همانوقت با امداد خواهیم نمود و نیز اگر امیر خواسته باشد ما حاضریم که یعقوب خان را در هند نظر بند نگه داریم (۱) .
- ۴ : سالانه يك مقدار معاش مستمر تادیه خواهد شد لیکن اندازه و شکل آن محتاج بحث جداگانه خواهد بود (۲) .

این بود تهدیدات و پیشنهادات یا بعبارت دیگر وعده و وعید لار دلین به امیر شیرعلبخان که توسط نماینده خود عطا محمد خان سدوزائی به امیر موصوف پیش کرد ، بالفاظ دیوک آف آرجیل ویسرای موصوف میخواست در برابر عرضه های فوق ، امیر شیرعلبخان علی الرغم وعده ها و اطمینان های ویسرا های گذشته بدون آنکه آرزو های قلبی او از هیچ جنبه قبول شده باشد ، کنترل تمام سیاست خارجی خود را که امیر موصوف بزرگترین قیمت را برای آن قائل بود ، به انگلیس بسپارد و بلکه علاوه از قبول يك عده صاحب منصبان انگلیس بحدیث نمایند در هرات و دیگر نقاط افغانستان تمام مملکت خود را صحنه فعالیت گماشتگان رسمی و غیر رسمی انگلیس بگرداند (۳)

این هدایت ویسرا پیش از تبصره های دیوک آف آرجیل که در فوق تذکر شده از طرف ما محتاج تحلیل نخواهد بود تنها این قدر علاوه میکنیم که بعد از چنین تهدیدات و توهین ها و در برابر این قسم تعهدات مبهم و مطالبات کمر شکن چگونه تصور میتوان کرد که امیر شیرعلبخان و دیوک آف آریانا با اشد خیر و آزاد خیال هم نبود ، باز هم انگلیس ها را دوست خود تصور کرده و از طریق دوستانه با ایشان پیش می آمد ؟! خصوصاً در حالیکه ویسرا به این توهین ها و تهدید ها اکتفا نکرده و در یادداشت خصوصی که به عطا محمد خان داده بود ، علاوه کرده بود که این تعهدات جدید صرف در صورتی قابل اجرا خواهد بود که امیر شرایط جدیدی را بپذیرد و در صورت عدم

(۱) : بقرار نظریه دیوک آف آرجیل این نکته در حالیکه برطانیه حق جانشینی شهزاده یعقوب خان را هیچ گاه تصدیق نکرده بود ، بجای اطمینان سبب تشویش و بدگمانی امیر را فراهم میکرد عجب تر اینکه این الفاظ تهدید در کتاب آبی که مشمول همین جریانات و به پارلمان برطانیه پیش شده بود داخل نبوده بلکه اصلاً ارفروزی ۱۸۷۶ ع تا می ۱۸۷۷ ع (صفر ۱۲۹۳ جمادی الاول ۱۲۹۴ ه ق) مکاتبات ویسرا و وزیر هند در اوراقی که به پارلمان پیش شده درک ندارد (علل جنگ افغان صفحه ۹۶ - ۱۰۰) .

(۲) : تمام این معلومات از کتاب فوق الذکر دیوک آف آرجیل صفحه ۱۹۳ تا ۱۹۸ اخذ شده است .

(۳) : کتاب قبل الذکر صفحه ۱۹۸ .

قبول آن نه تنها این تعهدات پیش نهادی صورت عمل نخواهد گرفت بلکه تعهدات سابق نیز ملغی قیاس خواهد شد و در آخر گفته بود که اگر پیش نهادات او کاملاً قبول نشود، دیگر برطانیه در هیچ صورت ولو که هر نوع خطرات و مشکلات برای امیر رخ بدهد، با او هیچگونه امداد نخواهد کرد. (۱)

اما در عین زمان لارڈ لیٹن يك مکتوب بنام امیر نیز نوشته بود و در آن اظهار اطمینان کرده بود که خواهشاتی که نماینده شما در سمله نموده بود طرف موافقه قرار گرفته است و اکنون باید نماینده امیر برای امضای قرارداد به پشاور اعزام و با (لوئیس بیلی) که بجهت نماینده و بسرا تعیین شده است ملاقات کند.

در عین زمان نقل قرارداد ی که ترتیب شده بود، به (لوئیس بیلی) داده شده و نامبرده برای انعقاد کنفرانس در پشاور به تر تیبات آغاز کرد.

امیر شیر علیخان که این تهدیدات و تحقیرها را بسکمال بردباری گوش میداد با هم برای اثبات حسن نیت خرد. سید نور محمد شاه خان صدراعظم خویش را مامور ساخت تا برای مذاکره به پشاور عزیمت کند ولی نسبت به تعیین نماینده دائمی انگلیس در افغانستان به او هدایت کافی داده و وانمود کرد که باید به نماینده و بسرا صریحاً بفهماند که قبول نماینده انگلیس نه تنها برای خود نماینده خطرناک است (وقضیه قتل مکدا نلد را از از طرف خسر بوره خود یاد آوری نمود) بلکه اگر امیر از او حمایت کند امکان شورش نیز می رود (۲) و در باقی مسائل به سید نور محمد شاه خان صلاحیت داد مسئله نماینده را چون امیر شیر علی خان صریحاً تقبیض استقلال خود می دانست میخواست حتی المقدور به مقابل آن مقاومت کند و بقرار تصدیق خود سیاستیون انگلیس و وقایع ما بعد درین اندیشه خویش حق بجانب هم بود.

بهر حال قبل از انعقاد کنفرانس دو کنتر گری که در کنفرانس امباله و سمله حیثیت تر جمات نراد داشت مکتوبت شخصی بنام سید نور محمد شاه خان نوشته و در آن نسبت به کنفرانس سمله اظهار تأسف کرده و گفته بود که اکنون و بسرا همه مطالبات امیر شیر علی خان را قبول میکنند گذشته را گذشته باید قیاس کرد در سابق قرارداد وجود نداشت و هر قسم تعبیرات از تعهدات مزبور امکان پذیر بود اما حالا فرار داد قطعی عقد میشود (۳)

این بود اوضاع سیاسی و روابط بین افغانستان و انگلیس در موقع کنفرانس پشاور یعنی و بسرا اراده داشت حتی امیر را در قسمت یگانه مطالبه که برای او غیر قابل قبول میباشد تضییق کند تا اگر کار به قطع روابط بکشد و بسرا دست آویز حاصل نماید و با لمقابل شرعی خان هم در مقاومت به مقابل این پیشنهاد اصرار داشته لیکن از روی تجارب گذشته و وضع و لهجه انگلیس ها از طرف انگلیس هیچ يك امید خوبی را بدست نمی پرورانید و صرف میخواست خود را از شر او نجات بخشد و لا اقل شرف و استقلال خویش را حفظ کند، لیکن طوریکه دیده شد هیچیک نظر سوئی نسبت به ناکام ساختن

(۱) دیوک آف آرچبل: قضیه افغانستان صفحه ۱۹۸ -

(۲) علل جنگ افغان-اورا قتیکه به پارلمان برطانیه پیش شده صفحه ۹۷ و ۱۰۱ بعد

(۳) دیوک آف آرچبل: کتاب قبل الذکر صفحه ۲۰۵

مشکلات در اجرای مقاصد خود و لوله خطر روس را در ماه ستمبر (رمضان) بلند کرد درین وقت وضعیت اروپا بحرانی بود ، روسیه ذریعه عقاید عامه انگلیس ، حکومت برطانیه را مجبور ساخت تا علناً برخلاف سیاست عمومی اروپا قیام نکند ، باهم در ۲۰ ستمبر یرزائلی نطق معروف ضد روس خود را ایراد کرد و دو روز بعد از آن سالسبوری اعلام نمود که مکاتبات کوفمان با امیر شیرعلی خان مخالف معاهدات میباشد (۱) .

به این قسم فهمیده شده میتواند که این اعلام و لوله اندازی حکومت برطانیه هیچیک حقیقت جدی را حائز نبوده و صرف در اثر اوضاع سیاسی اروپا که بیشتر به مسئله عثمانی و موازنه قوای دول بزرگ ارتباط داشت ، تولید شده بود . بهر حال این هم ناکفته نماند که درین بازی تنها انگلیس داخل نبود بلکه روس نیز عین همین سیاست را برای اجرای مقاصد خویش در شرق و غرب بازی میکرد دولت زار هم میخواست با مظاهرات نزدیکی به افغانستان موجبات تهدید انگلیس را در شرق و غرب فراهم سازد و این تقریباً نظیر همان بازی بود که روس در وقت سلطنت اول امیر دوست محمد خان مرحوم بمقابل انگلیس میخواست بازی کند و متأسفانه که درین دفعه نیز این بازی به نقص افغانستان تمام شد .

فصل سی و سوم

کنفرانس پشاور و نتایج آن

عطا محمد خان سدوزائی و کبیل دولت برطانیه مقیم کابل در اخیر اکتوبر ۱۸۷۶ ع (شوال ۱۲۹۳ هـ ق) با هدایات فوق السبق که به دربار امیر رسیده و امیر پس از شنیدن تمام تهدیدات و پیشنهادات او برای غور و مذاقه مدت دو ماه مهلت خواست و بزرگان ملت را جمع نمود تا با ایشان مشوره کنند ، درین مدت لاردرلین اقدامات دیگری را در هند شروع کرد که بیشتر سبب بدگمانی امیر را فراهم کرد ، از جمله اول آن اشغال نظامی قلات بلوچستان و تعمیر فشفله بزرگ عسکر در آنجا بود که با اشغال کویته و تعمیر فشفله بزرگ دران شهر حلقه غربی دور افغانستان را که ویرا در هدایت نامه خود هم به آن اشاره کرده بود تکمیل میکرد در عین زمان خود لاردرلین برای دوره سرحد غربی هند حرکت کرده به پشاور آمد (۲۲ اکتوبر) و به ساختمان یک پل از قسم پل کشتی در موضع (خوشحال گر) بررود سند امر داد (۲) و سپس صاحب منصبان را به تلی (واقع

(۱) ، کتاب قبل الذکر صفحه ۷۶ - ۸۳ .

(۲) ، کتاب قبل الذکر صفحه ۲۱۲ - ۲۱۳ لیکن وقتیکه در ماه جون ۱۸۷۷ ع

جمادی الاول ۱۲۹۴ هـ ق در پارلمان از وزیر هند نسبت به ساختمان این پل و تجمع عسکر در سرحد افغانستان استفسار بعمل آمد نامبرده آنرا تردید کرد در حالیکه پل مذکور دران وقت تکمیل هم شده بود پل کشتی پللی است که بواسطه انداختن یک تعداد کشتی های کوچک از آب تیار میشود و برای عملیات موقتی از آن استفاده بعمل می آید .

وزیرستان) اعزام کرد تا برای تعمیر جای رهایش يك قطعه عسکر ترتیبات بگیرند و علاوه بر این عسکر کافی را در راه ولپندی تمرکز داده به مهاراج کشمیر امر کرد که يك قطعه عسکر را از طرف گلمکت جانب ستوال و چترال اعزام دارد تا بر قبائل ملی که آنها را تحت اداره خویش میدانست کنترل خود را قائم سازند. و به اینقسم تاثیر فوری این اقدامات این بود که امیر خود را از سه طرف مورد تهدید میدید: - از سمت شرق از جانب کشمیر - از جنوب از طرف راه ولپندی - از غرب، از طرف قلات بلوچستان. این بود وضعیتی که قبل از کنفرانس پشاور برای استقبال نماینده امیر شیرعلیخان از طرف حکومت برطانیه روی کار آمده بود - با هم امیر شیرعلیخان در ضمن مجالس متعدد که در آن اکثریت بزرگان مملکت اجتماع کرده بودند، فیصله کرد که با دولت بزرگ همسایه خود از راه شدت و عناد پیش نیامده و حتی المقدور به مطالبات آن ناجائبه که به استقلال مملکت صدمه وارد نکنند موافقه کنند چنانچه عین این احساسات امیر و مشاورین او را عطا محمدخان نماینده انگلیس مرتباً درین عرصه به اطلاع حکومت خود میرسانید - لیکن لاردرلین که يك فیصله فوری را انتظار داشت از طول کشیدن جواب قطعی امیر ناراض بوده، بر نماینده خود فشار می انداخت که زود تر جواب آخری را حاصل کند و چون نماینده موصوف دلایل این معطلی را به او شرح میداد عصبی میشد چنانچه در راپورهای خود به وزیر هند صریحاً از او شکایت کرده و این تعطیل را دابل نالایقی و حتی خیانت نماینده موصوف دانسته بود (۱) و تعلق امیر را هم عبارت از فکر کمائی کردن وقت از طرف امیر قیاس نموده و گفته بود که چون امیر از اوضاع سیاسی اروپا و اختلافات روزافزون انگلیس و روس در مسائل عثمانی مطلع بوده و امکان جنگ را بین دو دولت مشاهده میکند بنا بران میخواهد وقت را بگذراند تا وضعیت معلوم شود و آنوقت با طرف قوی اتحاد نماید (۲)

جواب این الزامات را دیوک آف آرگیل در کتاب خود موسوم به قضیه افغانستان خوب داده و نسبت به براءت نماینده امیر میگوید که شکایت لاردرلین از او نه تنهایی حقیقت است بلکه دور از انصاف نیز میباشد و در حالیکه لاردرلین در راپور خود به وزیر هند میگوید که اطلاعات نماینده (روز به روز فاصله دارتر و مبهم و غیر قابل فهم تر) میشود، دیوک آف آرگیل می نویسد که در ظرف يك ماه (بین ۲۳ نوامبر و ۲۵ دسامبر ۱۸۷۶ ع ذی قعدة و ذی الحجه ۱۲۹۳ هـ ق) نماینده موصوف ۸ مکتوب مفصل واضح و روشن فرستاد که در دوسه های حکومت هند و جرد دارد و درین مکاتیب تصویر وقایع و احساسات امیر را کما هو حقه شرح داده و گفته است که امیر قلباً آرزو ندارد با حکومت قوی

(۱) دیوک آف آرگیل قضیه افغانستان صفحه ۲۱۶ - نامبرده اظهار تعجب میکند که درین صورت چگونه و یسراً بتاريخ ۱۳ اکتوبر همین سال موفقیکه نماینده موصوف برای اخذ هدایات به سمله رفته بود، يك زنجیر ساعت قاب طلا پاده هزار کلدار بنام خدمات صادقانه اش باو داده بود.

(۲) کتاب قبل الذکر صفحه ۲۱۴ - ۲۱۵.

برطانیه که همین الان و عده های خود را شکسته و يك دولت ضعیف را با بی عدالتی های مزید ، تهدید میکند ، قطع روابط نماید - دیوک آف آر جیل میگوید - که فقط همین حق گوئی نماینده که مخالف نظریات لاردهایتن بوده ، سبب این عصیان و فضاوت نامنصفانه دربارۀ او شده است .

عطا محمدخان اظهار کرده بود که امیر از این سبب طرف دار قبول نمایندۀ انگلیس نیست که تجدید صلاحیت او که به امور سلطنت مداخله نکند مشکل خواهد بود . آیا از این گفتار صریح تر و واضح تر و معقول چیزی میتوان پیدا کرد ؟ حقیقت اینست که لاردهایتن از مخالفت و اظهار وجود این شخص بمقابل (سیاست جدید امیر یا بستی) خود عصبی شده بود (۱)

بعضی ها میگویند که علت آمادگی های عسکری انگلیس در سرحدات افغانستان از اثر کدام هدایت خصوصی حکومت برطانیه که در اروپا بمقابل روسیه بازی او ضعیف بوده و میخواست از اینطرف آن را تقویه و روس را تهدید کند بعمل آمده باشد - لیکن در صورت این تدابیر طبعاً موجب بدگمانی و حتی ناراضی امیر را فراهم میکرد . و اگر چنانچه میگویند امیر ترتیبات جهاد را در سرحد گرفته و بزرگان مهمند و سوات و باجور را برای آمادگی بودن دعوت کرده باشد هم جز فکر دفاع و اخذ تدابیر حفظ مآل و تقدم دیگر دلیلی نداشته است که این در برابر اقدامات انگلیس و تهدیدات او نه تنها يك امر طبیعی بلکه لازم می هم بوده است اما راجع به نمایندگان روس که انگلیس ها میگفتند درین وقت در کابل رقت و آسودگی داشتند همین قدر کافیست که گفته شود که بجز حاملین همان مکاتیبی که در فوق ذکر شد و آخرین آن نسبت به اطلاع سقوط خوفند بود ، دیگر کدام ایچی روس به کابل نرسیده بود و خصوصاً درین دوره دو ماه مذاکرات داخلی امیر هیچ یک نمایندگان روس را در کابل وجود نداشت چنانچه نمایندۀ انگلیس بتاريخ ۷ اکتوبر (شران) به ویرا اطلاع داده بود که امیر به آمد و رفت ایچی های روس خوش نیست و آن ها را بموجب تولید جنجال برای خود میداند (۲) بهر حال طوریکه در فوق اشاره شد در آخر دسمبر ۱۸۷۶ ع (اوائل محرم ۱۲۹۴ ق) امیر فیصله کرد که با وجود تو همین ها و تهدیدات لاردهایتن و با اینکه هیچ يك پیش نهاد جدیدیکه یکی از آرزوهای امیر را بطور فحاشی بر آورده بتواند بمیان نیامده است ، بزعم صدر اعظم خود را با يك هیئت مرکب از امیر آخور احمدخان و میرزا باقرخان به پشاور اعزام دارد تا دلائل امیر را نسبت به عدم قبول بعضی مطالبات انگلیس ها و همچنین برخی تمنیات خودش به نمایندۀ ویرا ارائه کنند و در اطراف قرارداد جدید مذاکره بعمل بیاورد .

کنفرانس پشاور بتاريخ ۳۰ جنوری ۱۸۷۷ ع (اوائل صفر ۱۲۹۴ ق) شروع شد . در کنفرانس لوئیس پیللی سعی کرد به وزیر امیر شیر علیخان و نمود کند که در خواست و مطالبۀ قرار داد جدید از طرف امیر میباشد - سید نور محمد شاه خان که از

(۱) کتاب قبل الذکر صفحه ۲۱۶-۲۱۷

(۲) کتاب قبل الذکر صفحه ۲۰۹

وضعیت پوره واقف بود ، اول به اول این مسئله را تردید کرد و گفت که نه این کنفرانس و نه کنفرانس سمله ، هیچ کدام به خواهش امیر انعقاد نیافته و امیر هیچ یک پیش نهاد تازه نکرده است بلکه همیشه پیش نهاد کنفرانس و خواهش مذاکرات از طرف برطانیه بوده است اکنون هم امیر با فرار داد ها و مذاکرات سابق قانع بوده و هیچ یک مطالبه تازه ندارد و عمان فرار دادها و تعهدات برطانیه را کافی می شمارد (۱) زیرا امیر و وزیر او میدانستند که برطانیه در برابر مطالبات جدید چه خواهشهای سنگینی از ایشان بعمل می آورد بنابران جرئت مطالبه جدید را نداشته و به اوضاع گذشته اکتفاء میکردند .

و قتی که لوئیس پبلی اصرار نمایند امیر را نسبت به این موضوع مقدّماتی که روح دیپلوماسی طرفین را تشکیل میداد ، مشاهده کرد ، مجبور شد سخن را طور دیگر گشتانده و قبول کند که مطالبه از طرف برطانیه است اما این مطالبه بمقابل اعطای قرار داد جدیدی است که تعهدات سابقه را که فاقد شکل عهد نامه رسمی و دولتی بود جنبه رسمیت می بخشد درین جا با ز سید نور محمد شاه با یکی مطلب را ملتفت شده اظهار کرد که آیا بین تعهدات و سیرا های گذشته و قرارداد پیش نهادی و سیرای موجوده از حیث اعتبار کدام تفاوت موجود است و آیا اگر چنین باشد قراردادی که شما امروز میکنید خلف شما خواهد توانست آن را بی اعتبار تلقی کند ؟ و آید درین کنفرانس ما میتوانیم قرارداد های سابق را ملغی قرار دهیم ؟ چنانچه نماینده انگلیس مجبور شد حقیقت را اعتراف کرده و بگوید « نه » (۲) آنوقت بطرف دیگر گریز کرده گفت که امیر از کنفرانس امباله و کنفرانس سمله راضی نبود سید نور محمد شاه خان اظهار کرد که برخلاف امیر از هردو کنفرانس رضایت داشت و اگر هم ناراضی درین بود ، نسبت به تعهدات و اطمینان های لاردها یورونارت بروک نبود بلکه یک فقره ناراضی امیر از اثر مداخله انگلیس در مسئله شهزاده محمد یعقوب خان بود حالانکه مادر قسمت تعهدات ، بیشتر از آنچه لاردها یور و لاردها نارت بروک به او وعده کرده و اطمینان داده بودند از شما چیزی نمیخواهیم در مجلس سوم بالاخره لوئیس پبلی به موضوع اصلی کنفرانس که در مجلس اول برای آماده ساختن زمینه جهت پیش کردن آن بود (و طوریکه دیدیم در آماده ساختن زمینه هم کامیاب نشد) تماس کرد و دلائل لزوم نمایندگی دائمی انگلیس نزد ارا برای (با خبری از اوضاع دشمنان) و انورد داشت - سید نور محمد شاه خان که خوب حاضر بود گفت این موضوعی است که از وقت امیر دوست محمد خان مرحوم تا اکنون مکرر به دولت برطانیه توضیح و اظهار شده که مردم افغانستان از وجود نمایندگی انگلیس خوف دارند و در نزدشان سوطن تولید میکند و این هم برای شخص پادشاه وقت و هم برای دولت برطانیه مضر تمام میشود و بجای نفع ضرر بار می آورد اگر مقصد از اخذ اطلاعات باشد نمایندگی مسلمان شما خوبتر میتواند این کار را انجام دهد و حتی خود ما مورین افغانی هم این کار

(۱) کتاب قبل الذکر صفحه ۱۲۱ .

(۲) کتاب قبل الذکر صفحه ۲۲۴ - ۲۲۵ .

را که برای نفع طرفین است انجام خواهند داد و در آخر خواهش کرد که چنان مسئله را که تمام تعهدات و قراردادهای سابق از اثر آن بهم می‌غورد بلند نسکنند زیرا در قرار داد ۱۸۵۵ ع (۱۲۷۱ هـ - ق) و ۱۸۵۷ ع (۱۲۷۳ هـ ق) منعقد بین انگلیس و امیر دوست محمد خان و همچنین در تعهدات کنفرانس امباله و کنفرانس سمله در وقت خود امیر شیرعلی خان صریحاً (عدم تحمل نماینده انگلیس) در افغانستان تذکار شده است و نقض آن تمام تعهدات گذشته را از بین می‌برد .

لوتیس پیلی درین قسمت به بعضی ماده‌های قرار داد ۱۸۵۷ ع (۱۲۷۳ هـ ق) عطف کرده و اشاره نمود که از سابق امکان تعیین نماینده انگلیس در کابل پیش بینی شد بود - سید نور محمد شاه خان جواب داد که قرارداد مزبور جنبه موقتی برای جنگ ایران داشته و خاتمه اعتبار آن صریحاً در ختم آن مجاریه در قرار داد تذکار شد بود بالعکس در ماده ۷ آن ذکر است که نماینده دائمی شخص مملتان بوده در کابل اقامت میکند حالانکه در ماده دیگر که تعیین صاحب منصب ذکر شده (در نقاطی که عسکر افغان بمقابل ایران جمع میشود) قید بوده و هم نسبت به اینکه اینها حق مشوره دادن و تماس با سورداخلی را نداشته میباشند صریحاً تذکار بعمل آمده است (۱) و فتنه نماینده و سیرا اینقسم خود را در تمام قسمت‌ها مغلوب دید یک بار شروع به تهدیه نمود گفت (در صورتیکه امیر این عرضه غای و سیرا را قبول نکند و سیراهم از امداد امیر و خاندانش در موقع اختلال داخلی و خارجی انکار خواهد ورزید و بدون مراجعه مزید به امیر برای مقابله با هر قسم پیش آمد محتمله به تقویه سرحدات هند برطانوی تصمیم و اقدام بعمل خواهد آورد (۲)

سید نور محمد شاه خان جواب داد که این گفته و سیرا کاملاً مخالف نس قرار دادهای گذشته است که و سیراهای گذشته با امیر افغانستان عقد کرده و تا کنون مرعی الاجراء میباشند و به استناد تعهدات و قراردادهای گذشته و سیرا حق ندارد امداد خود را از افغانستان در موقع تجاوز خارجی یا اختلال داخلی دریغ نماید مگر اینکه قرار داد های سابق یک رسماً و کاملاً ملغی قرار داده شود و این مسئله با مطالبه فعلی برطانیه که قبول تعیین نماینده انگلیس را از امیر خواسته است هیچ یک ربطی ندارد چه بموجب قراردادهای و تعهدات سابقه دولت برطانیه نه تنها حق این مطالبه را از افغانستان ندارد بلکه خودش بار بار در متن تعهدات و قرار دادها عدم مطالبه تعیین نماینده انگلیس را در افغانستان تعهد نموده است .

لوتیس پیلی که تمام مساعی خویش را برای افناع نماینده امیر شیر علی خان تا کام دید و منطق قوی و حقانیت استدلال او را مشاهده کرد اظهار داشت که اگر این مطالبه قبول نشود دران صورت هیچ یک اساس برای مذاکرات باقی نخواهد ماند و بنابراین طرح و توضیح باقی مواد قرارداد پیش نهادی و سیرایی لزوم میباشد این را گفته از دادن قرارداد مسوده دادگی و سیرا به سید نور محمد شاه خان انکار ورزید (۳)

(۱) دیوک آف آرچیل ، قضیه افغانستان صفحه ۱۳ - ۱۴ - ۱۶

(۲) کتاب قبل الذکر صفحه ۲۲۸

(۳) کتاب قبل الذکر صفحه ۲۳۵

سید نور محمد شاه خان بکمال ادب و ملی با منطق و ممانعت کامل اظهار داشت که درین خصوص توجه شما را بصورت دوستانه و صادقانه بسوی این نکته جلب میکنم که اساسی که برای شما بواسطه فیصله‌های عاقلانه مشاورین و وزیران ملکه انگلستان در لندن و ویراهای او در هند بعد از مذاکرات وغور عمیق در طول مدت این سال‌های دراز گذاشته شده و از طرف ملکه تصویب گردیده حکومت افغانستان یقین دارد که حکومت برطانیه بشرافت مندی کامل خود به این اساس دائمی و محکم دوام خواهد داد (۱)

بعد ازین مذاکرات که روی هم رفته مدت ۲۰ روز را باوقفه‌های کوتاه دربر گرفته در طی آن گاهی یکی و گاهی دیگر فرصت ادامه دلائل خود را حاصل میکردند بالاخره مذاکره به جایی رسید که بایست طرفین از آمیزش خویش هدایت نازم بگیرند و مجلس تا ۱۵ مارچ برای این مقصد معطل شد جواب ویرا بتاريخ ۱۵ مارچ ۱۸۷۷ ع (اواخر ربیع الاول ۱۲۹۴ هـ ق) واصل شد این جواب بقول دیوک آف آرگیل پر از الزام تحقیر و خشونت بود و سردار اول اظهار تأسف کرده بود که امیر خود را از شرف حضور نماینده برطانیه در دربار خود محروم ساخته است و سپس گفته بود که مملکت و ملت در عصر سلطنت این پادشاه بحال متوقف مانده بلکه وضع مشکوک و پرشوراهالی افغانستان و قوه ضعیف حکومت نسبت به ادوار گذشته بیشتر محسوس شده است (که این نظریه به شهادت تاریخ که عصر امیر شیرعلی خان را بعد از عصر احمد شاه درانی در خشان ترین ادوار تاریخ افغانستان نشان میدهد نه تنها بی اساس بلکه دور از انصاف است)

و متعاقباً ویرا پس از تذکار و شعبت غیر دوستانه امیر و تماس‌های مبهم بعد از قرارداد هاورو ویداد‌های گذشته نسبت به امکانات اعزام نمایندگان اروپائی در افغانستان به نتیجه رسیده و گفته بود که حکومت برطانیه کوچکترین آرزوی هم ندارد که بر یک همسایه دل ناخواه یک قرار دادی را که برای خودش آنقدر پر خرج تمام میشود تحمل کند زیرا پیش نهاد این قرارداد از طرف برطانیه برای امیر یک امتیاز بزرگ تلقی می‌شده است (۲)

و سپس از اینکه تمام پیش نهادان از طرف نماینده امیر رد شده است تذکار (۳) و نسبت به کافی بودن قراردادها گفته بود که قراردادها با مرور زمان کهنه شده و اعتبار خود را باخته اند (۴)

و بالاخره ویرا نظریه خود را نسبت به ناکامی کنفرانس چنین اظهار کرده بود اگر قرارداد جدید عقد نشود، در آن صورت هر دو حکومت باید به موقعیت‌های مر بوطه سابق خویش عقب بروند و ضمناً اشاره کرده بود که ناید امیر بدانند که عدم قبول نمایندگی دلیل عدم دوستی او به مقابل برطانیه تلقی میشود و بر علاوه بسا دلائل دیگر نیز عدم نظریات دوستانه را از طرف امیر اثبات مینماید از قبیل عدم قدردانی از امداد پول و اسلحه

(۱) کتاب قبل الذکر صفحه ۲۳۰ -

(۲) دیوک آف آرگیل، قضیه افغانستان صفحه ۲۳۴ -

(۳) کتاب قبل الذکر صفحه ۲۳۵ -

(۴) کتاب قبل الذکر صفحه ۲۳۵ -

که برطانیه باو داده و منع عبور صاحب منصبان انگلیس از افغانستان و فکر تجاوز بذریعه تحریک جهاد و غیره و غیره، پایان تر قرارداد هائی گذشته را تحلیل و قرار داد ۱۸۵۵ ع (۱۲۷۱ ه ق) را یک طرفه بدون هیچ یک تعهدی از طرف برطانیه وانموده و قرار داد ۱۸۵۷ ع (۱۲۷۲ ه ق) را خصوصاً در ماده (۷) آن مد مطالبه خویش (که راه را برای مطالبه تعیین صاحب منصبان اروپائی در افغانستان از طریق دوستانه باز گذاشته است) تلقی کرده بود (۱) و در آخر ادعا کرده بود که این قرار داد ها برطانیه را به هیچ قسم تعهدی برای حمایت و مدافعه و یا امداد امیر و یا قایل او به مقابل کدام دشمن و یا خطر خارجی و داخلی یا بند نمی سازد. در آخر گفته بود که برطانیه اتحاد و یا حمایت خود را بر کسی که طالب آن نیست تحمیل نمی کند و بمقابل افغانستان کدام قصد دشمنانه ندارد و یقیناً آرزوی مداخله در امور داخلی مملکت مزبور را نیز بدل نمی پروراند بلکه بازم استقلال و حکمرانی امیر را با مراعات نزاکت احترام و این رویه خود را دوام خواهد داد و تا وقتیکه امیر به فرادادها یا بند باشد (۲) برطانیه آن را کاملاً یا برجا میدانند و بنابراین بالای هر دو طرف یا بندی ها را تحمیل نمی کنند و میتواند از هیچ قسم عمل دشمنانه از طرف برطانیه هراس نداشته باشد (۳)

با گرفتن این مسکنوب بازم سید نور محمد شاه خان کوشش کرد که مذاکره را دوام بدهد و پیش نهادات انگلیس را کاملاً بداند و از قطع و نا کامی قطعی مذاکرات جلوگیری کند اما لوئیس پبلی گفت که او امیر و سیرا همراه و قطعی است (۴) درین بین سید نور محمد شاه خان مریض شد و خبر مریضی شدید او که به امیر رسید امیر برای آنکه مذاکرات بکلی قطع نشود فیصله کرد که مستوفی حبیب الله خان برای ادامه مذاکرات به هند اعزام شود و به بیت ملاشاد محمد خان لوگری کتب خیل و محمد ظاهر خان همراه نمایند برطانیه در باب عقد قرارداد گفتگو کنند بطوریکه از ادوای رسمی حکومت هند استنباط میشود، در همین وقت به نمایندگی انگلیس و هم به و سیرا اطلاع رسیده بود که این نماینده از طرف امیر اختیار قبول تمام مطالبات انگلیس را تحمل کرده است (۵) بتاريخ ۲۷ مارچ (اواسط ربیع الاول) سید نور محمد شاه خان در اثر مریضی خود و احساس فشار روحی که از اثر جواب سخت و سیرا و نا کامی کنفرانس برای اودست داده بود (۶) در همانجا وفات یافت

(۱) کتاب قبل الذکر صفحه ۲۳۹

(۲) تناقص را ملاحظه فرمائید که از یک طرف و سیرا خود را از تمام تعهدات بمقابل امیر در آینده مبرا اعلام میدارد و از طرف دیگر چند سطر یا تبیین تر برجا بودن قرارداد ها و وجود تعهدات دو جانبه را تأیید میکنند (د یوک آف آرجیل کتاب قبل الذکر ۲۴۲

(۳) کتاب قبل الذکر صفحه ۲۴۲ - ۲۴۳

(۴) کتاب قبل الذکر صفحه ۲۴۴ - ۲۴۷

(۵) کتاب قبل الذکر صفحه ۲۴۵

(۶) در همین وقت و سیرا به وزیر هند نوشته است که ما چیز نوی به امیر نداده

و تعهد جدیدی را به برطانیه تحمیل ننکرده ایم صفحه ۲۳۴)



و جنازه او به امر امیر بطرف کابل نقل داده شد و با تشریفات مجلل که در خورشان ه. چو
 یک وزیر کارداران و خدمتکار صادق مملکت است به شایعت و تبعید سلطنت شهزاده عبدالله خان
 از کوتل یک لنگه به شهدای صالحین نقل و دفن گردید (۱) و نماینده جدید امیر در سرحد
 رسیده آمادگی خود را برای از سر گرفتن مذاکرات اظهار داشت لیکن بتاريخ ۳۰ مارچ
 تلگرام مختصر و قاطع و پسرا به لوئیس پینی رسید که ختم کنفرانس را اعلام میداشت ،
 و لوئیس پینی بدون آنکه احترام نماینده امیر را بشاید و یا از او پذیرائی کند، پیغام فرستاد
 که کنفرانس ختم شده است ، و آمدن او ضرورت ندارد ، بهتر است برگردد زیرا بقول
 دیوک آف آرجیل اندیشه داشت که مبادا به خواهشای اول خود گیر بیاید ، بنا بر آن تا کبد
 کرده بود که اگر نماینده جدید بیاید هم از مذاکرات مزید بر عونت خودداری نماید (۲)
 اما پسرا در راپور خود به وزارت هند از تلگرام امیر ختم کنفرانس را ذکر نموده
 و صرف اینقدر گفته بود که نظر به تحقیقات لوئیس پینی ادامه دادن مذاکرات برای
 عزت و آبروی برطانیه با امیر فعلی کابل در حالیکه از مقابله احساسات دوستانه برطانیه
 انکار و آن را به تلخی رد کرده است مناسب نباشد (۳) حال آنکه همین شخص بتاريخ ۲۸ مارچ
 یعنی دو روز قبل از اصدار امر تعطیل کنفرانس و فردای روز مرگ سید نور محمد شاه خان
 در کلسکه به نماینده گان مطبوعات اظهار نموده بود که (نماینده امیر برای تبادل
 افکار دوستانه به پشاور دعوت شده بود ولی کنفرانس در اثر واقعه ناگوار فوت نماینده
 موصوف معطل شده است (۴) این بود خلاصه رویداد های کنفرانس پشاور و طرز عمل
 حکومت برطانیه و سیاست مخفی آن درین کنفرانس که موازی ترتیبات عسکری برای
 تجاوز به افغانستان و تقریباً برای پوشاندن آن و پیدا کردن بهانه جهت شروع عملیات
 در حالیکه هیچ صورت این سیاست خود را مخفی هم کرده نمیتوانست ، صورت گرفته و بالاخره
 به شهادت بزرگترین سیاستون انگلیس از قبیل دیوک آف آرجیل وزیر سابق هند و اوراق
 رسمی پارلمان برطانیه ، کنفرانس مزبور از طرف برطانیه ناکام و قطع گردید و مراجعت
 دادن نماینده ثانی امیر تسوهین بزرگترین راهم به امیر شیر علی خان وارد ساخت ،
 طرز عمل و رویدادهای این کنفرانس را دیوک آف آرجیل در کتاب خویش موسوم به قضیه
 افغانستان که در آن سیاست حزب محافظه کار را عموماً و سالسبوری ولارد لیتن را خصوصاً
 مورد انتقاد قرار داده ، خیلی خوب و از روی دلیلی و منطق تحلیل و ملامتی های قطعی و
 کامل را بدوش مامورین انگلیسی تحمیل کرده است که به همین نکات مختصر فوق

(۱) بر ما است که مزار این مرد بزرگ خدمتکار مهم و صادق وطن را که بواسطه
 برهم خوردن بساط سلطنت امیر شیر علیخان مرحوم آباد نشده است بزودی بطور شایسته
 آباد کنیم

(۲) دیوک آف آرجیل ، قضیه افغانستان صفحه ۲۴۵ -

(۳) کتاب قبل الذکر صفحه ۲۴۵ -

(۴) کتاب قبل الذکر صفحه ۲۵۰ - ۲۵۱

درین جا اکتفا کرده و مفصل آن به اصل ماخذ حواله میدهم (۱)
 عجب تر اینست که لار دلین خودش عواقب سیاست خویش را هم خوب درک نموده و میدانست
 که نتیجه آن عبارت از انداختن امیر شیرعلی خان در آغوش روسیه خواهد بود چنانچه در
 رایور خود به وزارت هند که بعدها به پارلمان لندن پیش شده صریحاً تذکار مینماید که
 « چون افق امداد مزید از طرف برطانیه مسدود شده امیر از ترس نتایج شدید طبعاً در
 میلان خود بطرف روسیه سریع تر خواهد شد » (۲)

گویا لار دلین از پیش نتیجه سیاست خود را میدانست و باهم برای چهاره جوئی نه تنها
 اقدامی ننکرده و دست دراز شده امیر را نگرفته با رجعت دادن نماینده آورد نمود بلکه
 بر علاوه به قطع علنی و قطعی روابط با امیر نیز اقدام ورزید در حالیکه به فرار مکتوب خبری
 که به نماینده امیر داده بود، حق نداشت در روابط خویش با افغانستان کهترین تغییری وارد
 سازد قطع روابط بد ریمه جلب نماینده دائمی که عبارت از عطا محمد خان سدوزائی باشد
 و نامبرده و سلف او ۱۲ سال تمام در کابل نماینده گی انگلیس را اجرا میکردند صورت
 گرفت (۳) و امیر شیرعلی خان نه تنها درک کرد که دیگر از طرف انگلیس انتظار خوبی را
 نباید داشته باشد بلکه از این قطع روابط خوف و بدگمانی او بیشتر گردید، خصوصاً
 که آوازه حرکات عساکر انگلیسی نیز از سرحدات بطور روز افزون بگوش اومی رسید.
 با وجود این لار دلین در رایور همی خود به وزارت هند از این قطع روابط ابدان کاری
 نه نموده و سیاست خویش را بعد از کنفرانس پشاور عبارت از « حفظ و ضعیف موجوده و
 احتیاط مراقبت کارانه » وانمود کرد و در عین زمان از کمی و مبهم بودن معلومات خویش
 از احوال افغانستان تذکار نمود در حالیکه موجب این کم شدن اطلاعات خود او شده بود (۴)
 لار دلین به این هم اکتفا ننکرده و اصدار و عبور اسلحه را نیز از راه هند به افغانستان
 ممنوع قرار داد و از این وقت که امیر شیرعلی خان بنا به تعبیر دیکر آف آرچبل درک کرد
 که از طرف برطانیه جز به قیمت استقلال خویش چیزی را امیدوار شده نیتواند، (۵)
 از طرف دیگر و پسرا بعد از ختم کنفرانس به حکومت برطانیه اطلاع داد که (انکشاف
 طبیعی را با اطمینان کامل نسبت به قوه خویش انتظار میکشیم » (۶)

اما با وجود این اطمینان ها از این وقت پارلمان برطانیه بر بازی پوشیده سیاسیون

(۱) باهم چندینکته دلچسپ انتقادات او را ذیلاً شرح میدهم، نامبرده میگوید
 در کنفرانس پشاور یگانه اسلحه نماینده امیر (حق) بود که بطرف او بود صفحه ۲۲۳
 در جای دیگر میگوید، سبب عصیت و پسرا این بود که از طرف شخصی که وی او را وحشی
 میدانست در منطق شکست خورده بود و این وحشی از خلال کلمات سر بسته او اصل مقصدش
 را درک کرده بود صفحه (۲۳۲) ۰۰

(۲) کتاب قبل الذکر صفحه ۲۴۶

(۳) کتاب قبل الذکر صفحه ۲۴۶

(۴) کتاب قبل الذکر صفحه ۲۴۷

(۵) کتاب قبل الذکر صفحه ۲۴۷

(۶) کتاب قبل الذکر صفحه ۲۵۱

وقت ملتفت شده وسوالاتی درمجلس شروع گردید . از جمله بتاريخ ۱۵ جون ۱۸۷۷ ع (اوائل جمادی الثانی ۱۲۹۴ هـ ق) دیوک آف آرجیل از وزیر هند نسبت به اوضاع روابط انگلیس و افغانستان سوال کرد نامبرده جواب داد که (روابط ما با امیر نسبت به پیش فرق نسکرده است کنفرانس پشاور به خواهش خود امیر بود ما بر امیر نماینده خود را در کابل تجلیل نمیکنیم) . (۱)

یعنی به عبارت دیگر دوتیم ماه بعد از کنفرانس پشاور هنوز هم دولت برطانیه نسبت به اوضاع افغانستان و از رفتار امیر اندیشه نداشت .

سیس در ۱۴ (اکتوبر ۱۸۷۷ ع و اواخر شوال ۱۲۹۴ هـ ق) سالبوری وزیر هند در موقع تشریح وضعیت و رفتار لار دلتین در مورد افغانستان بالخاصه مدافعه از سیاست اودر کنفرانس پشاور در پارلمان اظهار کرد که اکنون علائم تغییر نیک در امیر بشاهده میرسد و امیدواریم که این بهتری اوضاع دوام کند زیرا از یک طرف از جانب ما فشار مخاصمانه ندیده و از طرف دیگر هیچ یک امداد تازه با امیر (که عرضه ما را رد کرده بود) درین عرصه داده نشده است (۲) این بیان وزیر هند در چنان موقعی که روابط انگلیس و روس در اروپا بسبب حمایت انگلیس از ترکیه با هم در تصادم آمده بود ، تفکیک مسئله افغانستان را تا جائیکه به سیاست هند ربط داشت از آن قسمت مسئله افغانستان که مستقیماً به سیاست کابینه برطانیه تعلق داشته واضح ساخت .

بهر حال در خلال این وقایع ، در اروپای جنوبی قضایای مهمی اتفاق افتاد که باید بطور اختصار به آن اشاره شود تا ربط سیاست شرق و غرب در قضیه افغانستان خوب تر فهمیده شده بتواند . مقارن ختم کنفرانس پشاور بین روسیه و تورکیه در سرولایات نالغان اعلان جنگک بعمل آمده و بزودی عسکر روس بدشت های رومانیه سر ازیر شد این رویدادها طبعاً انگلیس را که به حمایت از اهل عالی بنقابل روس و امیرا طوری های مرکزی اروپا مجبور بود و ادار سائیل تا برای تهدید روسیه مظاهرات خود را از طرف دیگر تقویت نماید و همان بود که سیاست تجهیزات عسکری در هندویل بستن بررود سند (ولو که در عین زمان فسکر لشکر کشی با افغانستان و بالاقبل تهدید امیر شیرعلی خان برای قبول مطالبات شان در آن مرکز بوده باشد) و توصیه امرای محلی به تحکیم حدود شان سردست گرفته شد . و این همان سیاستی بود که (لوتیس یلی) در کنفرانس پشاور به سید نور محمد شاه خان اشاره کرده و گفته بود که در صورت عدم موافقه امیر . دولت برطانیه به اتخاذ تدابیر مستقل در سرحدات هند خواهد پرداخت . گویا از این وقت لار دلتین (سیاست جدید امیرا طوری) را تعقیب نمود و سیاست انفرادی هند را تابع آن قرار داد بتاريخ ۷ جون ۱۸۷۷ ع (اواخر جمادی الاول ۱۲۹۴ هـ ق) برای بار اول بحکومت هند خبر رسید که روسیه با امیر شیرعلی خان مکاتبه مستقیم را شروع کرده است .

(۱) کتاب قبل الذکر صفحه ۲۵۳

(۲) کتاب قبل الذکر صفحه ۲۴۹

فصل سی و چهارم

آمدن سفیر روس به کابل

درین وقت تصادم سیاست روس و انگلیس در اروپا طرفین را مجبور به مظاهرات قوه در شوق ساخته بود تا همه دیگر را از عزائم و اقدامات مغالطه‌آمیز مانع گردند. چنانچه روی همین مفکوره بود که انگلیس به تمرکز عسکر در شمال غرب هند پرداخته و اگر چه غرض از آن تحمیل فشار بر امیر شیرعلی خان جهت قبول مطالباتش و در صورت عدم آن بدست آوردن این مقاصد از راه قوه بود و برای آماده ساختن زمین قبلاً در ماه جون ۱۸۷۶ ع دولت روس راهم بطور مجمل مسبق ساخته بود که به اثر بعضی حرکات قوای روس او هم مجبور است اندکی موافق خود را بیشتر بیاورد (۱) و برای تولید خوف در محافل روس جریده (پایونیر) که از جرائد مهم هند و مربوط به حکومت بود در اشاعت تارخی ۴ ستمبر ۱۸۷۷ ع (رمضان ۱۲۹۴ هـ ق) خود خبر داد که قرار یک مکتوب واصله از سوله ۳۰ هزار عسکر در هند برای عبور از افغانستان و حمله به مستعمرات روس در آسیای مرکزی آماده میباشد (۲) طبعی خبر سبب اعلام روس و افغانستان هر دو میگردد.

بالمقابل دولت روس نیز عین همین بازی را شروع و برای تولید ترس در انگلستان از یک طرف یک قوه ۱۲ هزار نفری را در تاشکند ترتیب داده و آوازه کرد که این قوه به سرکردگی سردار عبدالرحمن خان از راه افغانستان به هند حمله خواهد کرد از طرفی هم به اعزام یک هیئت به دربار امیر شیرعلی خان که از قطع روابط او با انگلیس اطلاع یافته بود مبادرت ورزید اما طوریکه (رالانس) مشهور در دسامبر ۱۸۷۷ ع (ذی حجه ۱۲۹۴ هـ ق) در مجله موسوم (به قرن ۱۹) نوشته است (این ترتیبات روس تماماً تدافعی بوده و برای پیش بینی جنگ با انگلیس بمقابل سرحد افغانستان حکم یک مظاهره را داشت و این قوه برای مقصد تعرض جدی نالکلفی بود) (۲)

از اینطرف امیر شیرعلی خان نیز که دفتراً خود را از حمایت و امداد انگلیس محروم یافت و بالمقابل در برابر سرحدات خود آمادگی نظامی را ملاحظه کرد با در نظر گرفتن لهجه تند و تهدید آمیز، و بسرا، به فکر ترتیبات افتاده بزرگان افغانه سرحد آزاد چون مهمند و باجور را به کابل دعوت کرده برای هر کدام مناصب و القاب چون سردار و نواب با معاشات ۲۰ و ۳۰ هزار روپیه در سال تعیین کرد و با آنها قرارداد که اگر ازدول خارجه یکی به افغانستان حمله کند قبائل موصوف به امداد سلطنت افغانی حاضر باشند (۳) و سپس ایشان را مرخص نمود که این ترتیبات نیز در ردیف ترتیبات دو دولت فوق الذکر کاملاً دفاعی و نهایی بوده و هیچ کس تصور کرده نمیتواند که امیر شیرعلی خان فکر حمله را به هند داشته است.

(باقی دارد) (سید قاسم رشتیا)

(۱) علل جنگ افغان اورا فسکه به یارلمان برطانیه پیش شده صفحه ۱۲۱

(۲) دیوک آف آرچبل کتاب قبل الذ کر صفحه ۲۵۶ - (۳) کتاب قبل الذ کر صفحه ۲۵۸.

(۳) سراج التواریخ جلد ۲

حیدر علی در لیسلی - جراید - پشاور - ۱۳۰۳ - ۲۸ - ۱ - طبعه عمومی